

۷۹۰۱

عنوان مراسلات
تبریز؛ اداره محاکمات
مدیر و نگارنده
م. غنی زاده سلماسی

محاکمات

قیمت اشتراك
سالیانه در تبریز ۵ قران
ولایات داخله ۷ قران
شش ماهه ندارد

پنجشنبه ۱۵ محرم ۱۳۲۸

روزنامه هفتگی سیاسی اجتماعی اقتصادی و ادبی
نمبر ۴۰؛ تبریز ۲ شاهی ولایات ۳ شاهی

عظم الله اجورنا واجورکم بمصابنا بالحسین علیه السلام

سواد تلگراف وزارت داخله مطابق نمره ۲۴
۱۳۲۸ محرم ۱۴

بعموم ایالات و ولایات که شعبه عدلیه در آنجا دایر است
مخبره شود؛ از قراریکه بتوسط وزارت جلیله عدلیه از
شعبات و محاکم جزوان شکایات متوالیه میرسد در غالب
جاها از ادارات حکومتی و نظمی و غیره امور حقوقی و
جزائی و تجارتي که از وظایف عدلیه است مداخله نموده و
کار شعبه عدلیه را باین واسطه بی ترتیب میدارند لزوماً بعموم
مأمورین کل و جزو دولتی اخطار و تأکید میشود که رعایت
این نکته را بعد از این مورد کمال توجه قرار داده و اهتمام
نمایند که امنه عدلیه و وظایف خود را بدون هیچگونه
بی ترتیبی و مداخلات دوایر دیگر اجراء نموده مطابق قوانین
که از وزارت جلیله عدلیه مقرر است امور خود را مرتب و
منظم نمایند و چنانکه مراقبت در حسن جریان امور ادارات
جزو از تکالیف حکومت است از مقتضیات مساعدت و معاضدت
در اجرای احکام عدلیه غفلت نکرده اگر نواقصی مشاهده
نمایند بوزارت عدلیه اظهار نموده رفع آنرا از خود وزارتخانه
نخواهند نمره ۷۳۴ (وزیر داخله)

(عطف نظر بسال ۱۳۲۷)

سال هزار سیصد و بیست هفت گذشت ! . . .
سالی که من آنرا انتهای اعصار غفلت و اسارت عالم
شرق و اسلام ، یا خود ابتدای ادوار حریت و تکامل آن خواهم
گفت ! . . .

سالی که قامت آن دیو مطلقیت و آن اهریمن پابرجای
هزاران ساله جهالت که کائنات مدیته را با خون و آتش تهدید
می کرد ، از پای درآمده و آن لیل غفلت که نظیر ادراک را با
ابراهیم کثیف می بست مبتل بسحر گشته و چله مصائب يك قسمت
عمده از عالم بشریت خاتمه پذیرفت .
سالی که از اثر حرص و خودبینی دوسلطان عنود و دو مستحانه
استبداد باران بلا بشکل خون و آتش برفرق اهالی بیچاره دو
مملکت اسلامی
ایران و عثمانی باریدن گرفته و در تاریخ شرق و اسلام بعنوان
(سال خونین) یاد خواهد شد . سالی که مسلمانان این دو مملکت را
بناهای مختلف از هم جدا کرده و مانند وحشی بجان همدیگر
ازراخته و از میان آنسیلهای خون ییذق حریت و استخلاص را برفراز
قله های مساجد استانبول و اهران برافراشت . بلی سالی که ایرانیان
بقدسیت حقوق خویش پی برده در استرداد و محافظه او بقدای
جان و جهان اثبات اهلیت و اتباه نمودند سزاست که انرا انتهای
اعصار غفلت و اسارت یا خود ابتدای ادوار حریت و تکامل نام نهمیم
در این سال هرج و مرج بنده نگارنده در تبریز که
حکم مرکز انقلاب را داشت بوده و این کشمکش عالم
اسلام را گاهی در زیر کوله های توپ و تفنگ و گاهی در میان
آتش قحط و غلا یاصیحات ؛
عطشگر که یاشا . ای رعای حریت ؟ .
تبیجیل و تعاقب کرده و برای آتی ممالک اسلام گاهی بامید
و گاهی بیأس متاثر و متحسرس می گشتم
ولی در آن ممالک چهها میشد ؟ .

سال ۱۳۲۷ را استقبال کردیم درموقعی که تبریز میرفت کم کم محاصره کرد یعنی در ابتدای امسال و در اول دهه محرم که تبریز داخلی مشغول تعزیه داری بود قشون محمدعلی میرزا از این سرگرمی شهر استفاده نموده اردوی شاهزاده عین الدوله در (بارنج) جای گرفته و رحیم خان قراجه داغی هم مامور راه مرند و جولفا گردید. بطوریکه روز سیزدهم محرم که اهالی فراغتی از عزاداری حاصل نمودند اطراف و راههای شهر کاملاً مسدود و احدی را یاری خروج و دخول نبود ، بعد از آن مصادمات تجاوزی و تدافعی شروع کرده جنگ های (خطیب) و (آوار) و (ساری داغ) را دیدیم مقاله های خونین و مناظر وحشت آمیز را مشاهده کرده روزهای سخت را گذرانیدیم

ورود قطعات عسکریه دولت روس و برگشتن ورق و در این اثنا شکست اردوی مجاهدین خوی و سلماس و ارومی در ارتق هم نوشته جبین طالع ما بود آنوقت چه ها می شنیدیم ؟

اختلال مملکت عثمانی، و قیام عبدالحمید ثانی بازندام مجلس مبعوثان، بازیهای مضحک در وقعه ۳۱ مارت، و اختلال عسکری و حرکت اردوی حریت از (ماکیدونیا)، کرد آمدن یکصد هزار نفر از حامیان مشروطیت در (آباستفانوس) و پیشگاه استامبول ، اجتماع فوق العاده مبعوثان عثمانی در آباستفانوس ، بیاننامه عمومی مشهور ، ورود اردوی حریت به استانبول، ثبات عساکر (طاش قشله) و مغلوبیت آنها ! اینک عبدالحمید ثانی تسلیم نفس میکند

ترکها و قهرمانان حریت : (انور) (نیازی) (محمود شوکت پاشا فاتح استامبول و قوماندان اول اردوی حریت)

بلی سلطان البرین و خاقان البحرین را گرفتند و قریب باسی نفر از بردگیان حرم و دو شاهزاده کوچک با قطار مخصوص و در اطاق مخصوص بعبارت دیگر نوی قفس آهنین در (سلانیک) بقصر (آلاتین) نقلش نمودند متعاقب آن مسئله (بوسنه) و (هرک) بمیان

آمده و این در ایالت بزرگ در مقابل دو میلیون و نیم بدولت (آوستاریا) واگذار شد نظر بهمان رابطه معنویه که از ابتدا کار در وقوع این دو مملکت اسلامی مشهود است حرکات قهرمانانه (آتاک) تاثیرات خود را همچو یک سیاله غیر مرئی بایران نقل نمود و قیل مارا نیز هندوستان بیاد آمد :

دو فرزند ایران از دوایرت کیلان و اصنهمان برخاست تاج و تخت ایران را از وجود یک سلطان بی تجربه و ناعاقبت اندیش خالی کردند ، قیام عمومی ملت کیلان و قتل سردار افخم بایک سلسله وقوعات نامیرسد بمقتضات بین راه طهران و ورود کشتی دولت همسایه بلند کراک ازلی و بیاد کردن عده دیگر از نظام خود و حرکت دادن آنها بطرف طهران یاس ، نومیدی ، حرمان و مع مافیه موقبت قهرمانان حریت و بالاخره فتح طهران و حرکت ناموس شکنانه محمدعلی میرزا ، تبدیل سلطنت و جلوس اعلیحضرت اقدس سلطان احمد شاه و عید شادمانی و جشن های بزرگ و و و و و

بجمله واقعاتیکه در تاریخ ایران بامثال آنها کم میشود تصادف کرد دو سال ۱۳۲۷ اتفاق افتاده و میتوان گفت که سال مذکور مریض هزاران ساله شرق و اسلام سیاسی را حالت بحرانی بود که منتج بهبودی و عاقبت میتواند شد بشرط اینکه پرستاران این مریض نهایت مراقبت را داشته باشند که در حال نقاهت مرض دوباره عود نکند و خیلی باید دقت کرد و او را راحت گذاشت که اگر اندکی زاید بر آنچه حال و طبیعت مرض اقتضا میکند تندرست و خسته شد آنوقت خدای نخواستہ بر میگرداند بمرض دیگر که مطلقاً معالجه بردار نیست ! .

حالا بعد از آنکه وقوعات سال ۱۳۲۷ را سطحا از نظر گذرانیدیم بینیم از واقعات مذکور چه فایده مادی حاصل برده و چه طرفی بستیم :

سلطنت از محمد علی میرزا مخلوع ، اعلیحضرت سلطان احمد شاه دراریکه شهریاری قعود ، امر مشروطه محکم دماغ خیانت کاران برخاک مالیده کشت و بالتیجه زمام اداره مملکت قسماً بدست خود ملت سپرده آمد و

بعقیده نکارنده تمامی اینها بی حصول یک چیز هیچ اندر هیچ است و مطلقاً ممکن نیست که بی آن یک چیز فایده بحال دولت و ملت نماید گردد

آن مبارکترین چیزی که این اندازه دارای اهمیت است چیست ؟

آدم شدن ، یا عبارت دیگر اصلاح نفسهای خودمان

اگر ما آدم نشویم ، اگر ما خودمان را اصلاح نکنیم اگر ما اخلاق خودمان را درست ننمائیم ، اگر ما دست از حرکات مفسدانه خود برداریم اگر ما اغراض خبیثه خود را کنار نگذاریم ، و بالاخره اگر ما طریق اتفاق و اتحاد را نبویم و همچنان در حالت اولیة خود بمانیم و شق عسای مسلمین کنیم مشروطه سهل است جمهوری هم باشیم و دارای اولین درجه قدرت و قوت کردیم باز روزیست که محو خواهیم شد و دمی است که منقرض خواهیم گشت و وقتی است که اسم ایرانی و رسم ایران از صحیفه کیتی و خریطه جهان نیست و نابود خواهد شد .

انصاف می طلبم اداره مطلقه سابق که باعث این همه خانه خرابیها شد آیا تقصیری غیر از بدی متصدیان امور داشت ؟ . حالا که مجلّها ، امیر بهادر ها ، شاپشال ها ، پی کار خود رفتند و کار را بدست ما سپردند اگر ما اهلّیة و لباقت خود را اثبات نکنیم و همان طور که آنها می کردند غیر از جلو بردن اغراض خویش مقصودی نداشته باشیم آیا بدتر از آنها نخواهیم بود و این یک را نتیجه جز محویت و اضمحلال هست ؟

فقط هیبتات ! . آنچه معلوم می شود ؛ ضربه هائی که در ۱۳۲۷ خوردیم تاثیرات خواب چندین هزار ساله را ابدأ از کله های ما رفع نکرد چه ، سنه ۱۳۲۸ که هنوز دیروزش قدم گذاشته ایم مقدماتش و عده های خوب نمی دهد و باز می بینیم دست های فتنه در کار و غراب البین فساد را در محفل دوستان باراست و ما نیز برای حفظ ناموس اتحاد برده از روی کار بر نمی داریم و آنچه بوده است نابوده می شماریم و با هزاران اسف اقرار می کنیم که از سال ۱۳۲۷ غیر از

اینکه سالی بزرگ شدیم حاصلی نبردیم یعنی ؛ .
بیداریم ولی در خواب . هشیاریم ولی خراب
م . غ

قانون عدلیّه

البته میدانید ؛ برای ترتیب اداره عدلیه و تشکیل محکمه های متنوع و دوائر قانونی که در این اداره است تاکنون قوانین مدون کافی در دست نبوده و شکل دارة امروزی هم که در دیوانخانه عدلیه تبریز و سایر نقاط جزو آذربایجان است نتیجه افکار بعضی از صاحبان علم و تجربه بوده دستورالعمل عمومی که شامل تمامی مملکت باشد از وزارت عدلیه اعظم رسیده بود ، اینک چند روز قبل نظامنامه عدلیه که عبارت از پنج جلد است توسط پست از وزارت جلیله مذکوره بجهة دیوانخانه رسیده و انشاءالله بتدریج در موقع اجری گذاشته و عیناً در (محاکمات) طبع و نشر خواهد شد .

این نظامنامه گرچه از صحنه دارالشورای ملی گذشته است مع ذلك موقتی بوده پس از مدتی لغو و بمقتضای حال و موقع نظامنامه مبسوطی نوشته خواهد شد .

(نویسندگان عدلیه تعطیل کرده)

نقصان مالیه مملکت و بی پولی دولت و زیادتی مخارج فوق العاده چنین ایجاب میکرد که ادارات و دوائر قانونی بطور مجانی خدمت کنند و بهمین لحاظ اولیای امور در بدو تشکیل ثانوی عدلیه یعنی بعد از فرونشستن آتش انقلاب قرار گذاشتند که باید اعضا و اجزای عدلیه بدون اینکه چیزی از دولت بخواهند به همان عایدات خود اداره قناعت کنند و از تاریخ شهر شوال ۱۳۲۶ تا امروز این قاعده در عدلیه جاری بوده ماه به ماه و جوهاتی که از دهیک دعاوی و پول تبر احکام و غیره عاید صندوق عدلیه میشد گاهی با ترتیب توماناتی و گاهی هم که بیرون از اندازه دخل کم می آمد یک ملاحظه در بین رؤسا و اعضا و اجزای دیوانخانه قسمت کرده و ماههائی که دخل موجودی قابل قسمت بود تومانی دو قران و سه قران و فقط شهر

شوال ۱۳۲۷ را تومانی شش قران هریکی قسمت برده اند و بدیهی است که این ترتیب بالخاصه بجهت آنکه که جزو پا بوده از سایر جهات دخلی و عایدی ندارند قدری مشکل و بلکه ممتنع است که مدتها تحمل نمایند مراتب کرات بحضرت ایالت کبری دامت شوکت معروض افتاد که برای مستخدمین عدلیه حقوق و محلی معین فرمایند ایشان هم موکول بتصویب وزارت جلیله عدلیه فرمودند از طرف ریاست عدلیه در این باب یکی دو مرتبه کتباً و تلگرافاً در طهران بوزارت جلیله مذکوره اخطار کردید از انجا هم جواب شافی حاصل نگشت

و از طرف دیگر این مسئله یعنی خدمت کردن بدون معاش کافی جالب سوء ظن اهالی در حق مستخدمین عدلیه می گشت چه مسلم است کیبکه از مجمل دیگر عایدی نداشته و از خدمت خود هم معاش کافی که بتواند بقناعت از عهده مخارج خود برآید نگیرد این شخص ناچار بایباید رشوت خورد و یا اینکه بوجه نامشروع دیگر تأمین معیشت نماید . بهمین ملاحظاتی در عشر آخر ذیحجه عموم اعضا و اجزای دیوانخانه با عریضه مخصوص ریاست کل دیوانخانه اطلاع دادند که هرگاه در آخر ماه حقوق آنها کاملاً نرسد ناچار تعطیل خواهند کرد . این بود از طرف ریاست کل تلگرافی دایر باستدعای تعیین محل برای حقوق اعضا و اجزاء بمقام وزارت عدلیه اعظم مخبره شد . در اول ماه محرم عموم منشی و ثبات و بالجمله نویسندگان عدلیه اضطراراً عریضه مجدد ریاست کل نوشته و اخطار کردند که ماها در دیوانخانه اجیر بوده و زیاده بر این نمی توانیم بی حقوق خدمت نمائیم اگر مواجب ماه ذیحجه ما کاملاً نرسد و برای آتی هم اطمینانی ندهند ناچاریم از اینکه جداً تعطیل نموده و در سر خدمت حاضر نگردیم

عنواناتی که آنها کرده اند عبارت از چند ماده ذیل است اولاً اینکه نویسندگان مثل سایر اعضا و رؤسای عدلیه آنقدرت و استطاعت را ندارند که مدت‌های متمادی بدون حقوق کافی خدمت نمایند و لابد باید از این ممر تأمین معیشت آنها بشود و لقمه نان خالی با سودکی خورده با جمعیت حواس و افکار خدمت نمایند ثانیاً میگویند از اول تشکیل دیوانخانه که مجانی و کاهی

بترتیب توماناتی خدمت کرده اند شرافت و امتیازی که برداشته این است که در چشم عوام رشوه خوار و خابین جلوه نموده اند

ثالثاً هرگاه یکی از ادارات یا کابینه خود ایالت جلیله باین ترتیب یعنی توماناتی خدمت میکنند اینها هم حاضرند که مدت‌های طولانی دیگر از آقرار خدمت نمایند

بقیه دارد

نکارنده و مدیر مسئول

م . غی . زاده

اعلان

مشهدی علی اکبر مجاهد که من باب و دان دوستی و ترقی خواهی کارخانه کبریت سازی را حسب الغیره در تبریز دایر کرده بود خودش در هنگام بلوی قربانی و دین خود کشته و شهید افتاده الان همان کارخانه با تمام اجزایش موجود و بقیت خیلی مناسب فروخته میشود

ضمناً مقدار کافی کبریت ایرانی

هم در کارخانه موجود میباشد هر کسی طلب خریداری آن باشد بجناب مستطاب اقامیرزا محمود آقای سلماسی قاضی محکمه نقدی و یا بجناب حاجی میدی اقاتاجر سلماسی مراجعت نماید که با سهولت وجه تمام خواهد شد

فدائی ملت محمود سلماسی

اعلان

بخدمت آقایان محترم اعلان میدهد این بنده چند سال در روسیه زحمت تحصیل کشیده و در زبانهای روس و فرانسه و ارمنی مهارتی بسزا پیدا کرده و می خواهد در تبریز از معلومات خود برای هموطنان خدمت کند لهذا زحمت میدهد هر کس طالب آموختن زبانهای مزبور باشد در خانه یوسف خان عکاسباشی باین امضا رجوع نماید

کرگین آرامیدان

تبریز مطبعه « امید »